

مفاخر میراث فرهنگی ایران ۶ رایت منصور  
جشن نامه دکتر سید منصور سید سجادی

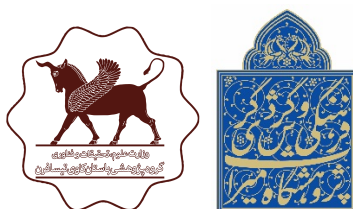
به کوشش شاهین آریامنش

به نام خداوند جان آفرین



مفاخر میراث فرهنگی ایران (۶)  
رایت منصور  
جشن نامهٔ دکتر سید منصور سید سجادی

به کوشش  
دکتر شاهین آریامنش



۱۴۰۱

سرشناسه	: آریامنش، شاهین، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: رایت منصور: جشن نامه دکتر سیدمنصور سیدسجادی / به کوشش شاهین آریامنش ؛ [ برای ] مرکز معرفی فرهنگی.
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۲ ص:، مصور، جدول.
شابک	: 978-622-5684-12-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: جشن نامه دکتر سیدمنصور سیدسجادی.
موضوع	: سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۲۷ - - یادنامه‌ها
موضوع	: سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۲۷ -
موضوع	: باستان‌شناسان - - ایران - - مرگ‌شناسانه
Archaeologists -- Iran -- Biography	
باستان‌شناسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها	
Archaeology -- Addresses, essays, lectures	
شناسه افزوده	: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. مرکز معرفی فرهنگی
شناسه افزوده	: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
شناسه افزوده	: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
Tourism & Research Institute of Cultural Heritage	
رده بندی کنگره	: CC115
رده بندی دیویی	: ۱۰۹۲/۹۳۰
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۸۷۷۸۲۶۴
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی	: فیبا



مرکز معرفی فرهنگی و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن

## رایت منصور

مفاخر میراث فرهنگی ایران (۶)، رایت منصور، جشن نامه دکتر سیدمنصور سیدسجادی

به کوشش: شاهین آریامنش

عکس جلد: مدیا رحمانی

چاپ و صحافی: نقش

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۱

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۸۴-۱۲-۶

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تلفن: ۶۰-۶۶۷۳۶۴۵۲-۲۱ دورنگار: ۲۱-۶۶۷۳۶۷۸۸

تارنما: [www.richt.ir](http://www.richt.ir) رایانامه: [cep@richt.ir](mailto:cep@richt.ir)

فروشگاه الکترونیکی کتاب: [www.richtbook.ir](http://www.richtbook.ir)

## فهرست

- پیشگفتار ۷
- رایت منصور | شاهین آریامنش ۹
- آثار پژوهشی دکتر سید منصور سید سجادی ۱۱
- آثار باستانی دروازه آسیا (گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی شهرستان قصر شیرین) | علی هژبری ۴۳
- نگرشی بر گذر استقرار عشایر کوچ‌نشین دشت سرگچینه | مریم فتاحی پور و میثم گردی ۶۳
- عوامل مؤثر در شکل‌گیری و فروپاشی تمدن‌ها در سیستان | رضا مهرآفرین ۸۳
- شهرسوخته و نقش آن در شکل‌گیری فرهنگ بلخی-مروی | فرشید ایروانی قدیم و حامد طهماسبی زاوه ۱۰۱
- مطالعه تغییر و تحولات آداب و رسوم شهرسوخته براساس سنت تدفین | زهرا رجیبون ۱۱۳
- تفکیک جنسیتی کارگران دوه‌آغازیلامی در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد در ایران | روح‌الله یوسفی زشک، مرتضی حصارى، سعید باقى‌زاده و دنیا اعتمادى‌فر ۱۲۹
- مروری کلی بر ظرف پیکرک‌های گاو شهرسوخته | سعید پارسائیان ۱۴۷
- سیموروم، لولوبوم و گوتیوم؛ سرنخی جدید از حضور فرمانروایی بین‌النهرینی در پیرامون کوه بمو، ازگله-کرمانشاه | سجاد علی‌بیگی، شهرام علی‌یاری، جان مک‌گینیس و ناصر امینی‌خواه ۱۶۱
- پژوهشی بر پیکره‌های کامل دوران آشور نو | ایرج رضائی ۱۸۱

- تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) بر پایه شواهد باستان‌شناختی | حسین مرادی، مجتبی سلطانی و حسین سرحدی دادیان  
۲۱۳
- قبری از لور بالاجوق، ارومیه | بهروز خان‌محمدی و علی صدرائی  
۲۳۵
- بررسی آثار معماری نویافته در دامنه تپه زیویه؛ کردستان آیا بنای خشتی زیویه یک مجموعه بزرگ‌تر است؟ | سیروان محمدی قصریان و علی هژبری  
۲۴۹
- جایگاه الهه‌های اورارتویی در فرهنگ اورارتوها | مریم دارا  
۲۶۵
- آتشکده ساسانی کلگه چرداول ایلام | علی نوراللهی  
۲۸۳
- نظر برخی از باستان‌شناسان و محققان درباره دخمه‌گذاری به شیوه عرضه‌داشت در مقابل لاشخورها مهدی رهبر  
۳۴۱
- یادداشت‌هایی درباره شرق ایران در دوره پس از هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان: ارزیابی جدید و اولیه درباره کاوش‌های ایزمئو در قلعه تپه و قلعه سام در سیستان | جولینو مارسکا، ترجمه آزاده آزادی‌نژاد  
۳۷۳
- بازخوانی جغرافیای تاریخی و رویکرد مذهبی علویان زیدی تبرستان با استناد به منابع سکه‌شناسی مجید حاجی‌تبار  
۳۸۳
- کاروانسرای نویافته جمال‌آباد ارومیه و بازبینی مسیر جاده ابریشم در آذربایجان غربی | بهروز خان‌محمدی و علی صدرائی  
۴۰۷
- گزارش فصل سوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک شهرستان سریشه | محمد فرجامی و علی اصغر محمودی‌نسب  
۴۲۵
- واکاوی کتیبه نویافته مسجد کرمانی (مجموعه آرامگاهی شیخ احمد جام) | فرامرز صابرمقدم  
۴۴۵

## دردانه‌ای از آب و گل

میانه روز از سمت جنوب، قطار دودی را می‌بینی که سینه بیابان را می‌شکافد و به سمت تو حرکت می‌کند. اگرچه این سال‌ها سرعت این قطار دود اندکی کمتر شده، اما باز با دیدنش خودت را مثل مسافری منتظر و کمی کلافه، جمع‌وجور می‌کنی و می‌ایستی تا از راه برسد. او همان دکتر سیدسجادی است، با یک نخ سیگار وینستون پایه قرمز زیر لب و با نفس‌هایی که هرچه گذشته است عمیق‌تر شده‌اند. این را می‌توانی از صدای نفس‌هایی که روی پلکان بنای یادمان می‌کشد، بفهمی. اما نفسش بوی سیستان می‌دهد

۲۰ سال پیش، وقتی تازه دانشجوی رشته باستان‌شناسی دانشگاه زاهدان شده بودم، شنیدن نام دکتر سجادی جذاب بود و کارکردن زیر نظر او جذاب‌تر. آن سال‌ها دوباره باستان‌شناسی ایران داشت از خاکستر خویش سر برمی‌آورد و بسیاری از استادان به چله نشستند که تا پیش از این تنها نامشان را در مجله‌های باستان‌شناسی و تاریخ خوانده بودیم بازگشته بودند که باستان‌شناسی را دوباره شروع کنند که در درون آتش بایستند و اسرار عیان بینند.

برای من دانشجوی کاردانی زاهدان کار کردن با او که تازه به شهر سوخته آمده بود، بسیار افتخار داشت. باید اعتراف کنم که بعد از ۱۸ سال کار با او در شهر سوخته، هنوز از نشستن در کنارش لذت می‌برم و از دانش بسیطش به ایران نیز بیشتر! منظورم نه صرفاً دانش باستان‌شناسی که آتش شله‌قلمکار دلنشینی است که از ایران‌شناسی و مذهب باستان تا پیشینه‌های قومی تاریخی را فرامی‌گیرد و راز این دانش بسیط، مطالعه همیشگی او حتی در خسته‌ترین حالت‌های جسمی است. از او طی این سال‌ها دریافته‌ام که باستان‌شناسی صرفاً دانش مواد و اجسام تاریخ مصرف گذشته نیست و بسیاری از تفسیرهای باستان‌شناسانه بایستی در یک بستر تاریخی جغرافیایی معاصر نیز ارائه شود! او و برخی از هم‌نسلانش، باستان‌شناسی را در این منطقه پر تلاطم قومی و نژادی و سیاسی، دانشی در خدمت هویت انسانی ایرانی دیده و می‌بینند. این مسئله را در طی سالیان درازی که با او در شهر سوخته کار کرده‌ام دریافته‌ام. از نزدیک شاهد تغییراتی بوده‌ام که در فرهنگ اجتماعی و هویت مردم سرزمین اساطیری سیستان به واسطه کاوش‌های باستان‌شناسی شهر سوخته ایجاد شده است. اگرچه خودش هویتش را از سیستان باز یافته، در عین حال به این سرزمین نیز هویت بخشیده است. یک رابطه عجیب دوسویه میان باستان‌شناس و محوطه باستانی، به قول فلاسفه رابطه دوسویه میان سوژه و آبه! که تبعاتش یک منطقه و گاهی یک کشور را دربر می‌گیرد. کاری که اخلاف ایتالیایی‌اش در شهر سوخته



## ۲۱۴ ♦ تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) بر پایه شواهد باستان‌شناختی

یا بسیاری دیگر از باستان‌شناسان خارجی در دیگر محوطه‌ها نتوانستند انجام دهند. همیشه فکر می‌کنم با وجود خدمات و خیانت‌های بسیاری که باستان‌شناسان فرنگی در خاورمیانه انجام دادند آنها یک عنصر بسیار ایرانی را در کارشان کم داشتند و آن عشق بود! به قول عمران صلاحی، شاعر معاصر: من نیستم در این پیراهن / تویی تو که فرود آمده‌ای بر دریاچه/ و آب را بی تاب کرده‌ای!

دکتر سجادی به من فهمانده است که باستان‌شناسی صرفاً دانشی انتزاعی، درگیر و دار تئوری‌ها و نظریات انتزاعی نیست و امروزه پیوندهایی عمیق با مردم به مثابه آبژه‌های فعالی‌ش یافته است و برای تأثیر چندباره بر محیط اطراف، یک باستان‌شناس بیش از هر چیز باید عاشق باشد و پدیده‌های باستان‌شناسی را علاوه بر دانش عمومی با روح ایرانی‌اش تفسیر کند. راستش را بخواهید من او را عاشق‌تر از هر کس دیگری یافته‌ام که داعیه کاوش در شهرسوخته یا بسیاری از محوطه‌های دیگر را داشته است. حتی اگر اغراق نباشد از هر باستان‌شناس میدانی کاری که تاکنون دیده‌ام. بسیاری از ما انسانهای خاورمیانه‌ای در یک دو سده استعمار و در خم و پیچ از خود گمشدگی، عشق را گم کردیم! به راحتی مشی و مشیانه و آدم و حوا و رستم و سیاوشمان را با شاه‌پانزه و میمون داروین معامله کردیم! یک فلسفه و مشی نیم‌بند و نیم‌فهم را از ایشان فرا گرفتیم و در عوض، عشق را و قبیله‌مان را وانهادیم و برای همین است که به شخصه، وای رابطه استاد و شاگردی بین دکتر سجادی و من، برای او و البته برخی دیگر از باستان‌شناسان مملکت که تعدادشان اتفاقاً زیاد هم نیست ارزش و احترام بسیار قائلم! آنان که نیمی‌شان از خاک و گل و نیمی دیگرشان دردانه است.

## تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) بر پایه شواهد باستان‌شناختی

**حسین مرادی \***، **مجتبی سلطانی \*\*** و **حسین سرحدی دادیان \*\*\***

\*دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران، \*\*زنده یاد مجتبی سلطانی دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت

مدرس بود که سال ۱۳۹۶ دیده از جهان فرو بست. یادش گرامی

\*\*\*استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه زابل

### چکیده

سراوان در جنوب شرق ایران، در استان سیستان و بلوچستان واقع شده و یکی از مناطق کلیدی در درک فرایندهای فرهنگی حوزه فرهنگی بلوچستان به‌شمار می‌آید که مجموعه‌ای غنی از سنگ‌نگاره‌های شرق فلات ایران را در خود جای داده است. این مجموعه غنی از سنگ‌نگاره‌ها شامل نقوش و صحنه‌های مختلفی است که عمده‌ترین آنها شامل صحنه‌های شکار و جنگ است. از دیرباز مسئله تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها مورد توجه پژوهشگران بوده است و در این نوشتار تلاش شده تا ضمن

تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط با مسئله تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها، نتیجه‌ای به نسبت قابل قبول در ارتباط با تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان ارائه شود. در مجموع، با توجه به شواهد و اطلاعات مردم‌شناختی و باستان‌شناختی مرتبط با این مقوله، قدیم‌ترین تاریخ پیشنهادی برای سنگ‌نگاره‌های سراوان هزاره اول پم پیشنهاد شده است، ضمن اینکه در دوره پارتنی نیز این خلق سنگ‌نگاره‌ها ادامه داشته و در دوره اسلامی تا دوره متأخر نیز این سنت در منطقه همچنان رواج داشته است. در این مقاله مقایسه تطبیقی با حوزه‌های شمال‌غرب، جنوب‌غرب و زاگرس مرکزی و همچنین با شبه قاره هند، آسیای مرکزی انجام شده است.

**واژه‌های کلیدی:** سراوان، سنگ‌نگاره‌ها، هزاره اول پم، دوره پارتنی، سفال لوندو.

#### مقدمه

شهرستان سراوان در جنوب شرق ایران و به فاصله ۴۰۰ کیلومتری جنوب زاهدان قرار گرفته است و از غرب به شهرستان ایرانشهر، از شرق و جنوب شرقی به پاکستان، از جنوب به شهرستان سرباز و از شمال به شهرستان خاش محدود می‌شود. سراوان منطقه‌ای کوهستانی با رشته‌کوه‌های به هم پیوسته است که دره‌های تنگ میانکوهی آنها را از هم جدا کرده است (تصویر ۱). یکی از مهم‌ترین رشته کوه‌های سراوان، سیاهان (Siahan) با جهتی شمالی-جنوبی است که مانند یک سد طبیعی بین بخش مرکزی و بخش جالق (Jalq) واقع شده است. وجود کوه‌های به هم پیوسته و ممتد در بلوچستان باعث شده تا مناطق محدودی جهت استقرارهای یکجانشین ایجاد شود. دشت‌های میانکوهی مانند دشت سراوان که میان دو رشته کوه سیاهان و کوه سوراندر (Surander) واقع شده با وجود دو رودخانه‌ی سیمیش و ماشکید مأمّن شکل‌گیری و تداوم استقرارهای یکجانشین از گذشته تاکنون بوده است. برخلاف دشت‌های وسیع میانکوهی مذکور، دره‌های تنگی در دل رشته‌کوه‌های ممتد منطقه موجود است که محل آبراهه‌های فصلی بوده که منبع تغذیه رودخانه‌های اصلی جاری در دشت‌ها و همچنین منبع تغذیه حوضچه‌های آبی زیرزمینی می‌باشند (Moradi et al, 2013: fig.2). دره‌های تنگ میانکوهی مسیرهای تردد و متصل‌کننده دشت‌های وسیع‌تر نیز محسوب شده و در جای‌جای آنها چشمه‌های کم‌آبی وجود دارد که گاه در تمام طول سال دارای آب است. عرض دره‌های مذکور بسیار کم بوده و بستر آبراهه فصلی به اضافه دامنه سنگلاخی دو سوی آن به ۱۰۰ متر نمی‌رسد و به همین دلیل مجالی برای شکل‌گیری بستر رسوبی وسیع و مناسب جهت کشاورزی به دست

## ۲۱۶ ♦ تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) بر پایه شواهد باستان‌شناختی

نمی‌دهد. این گونه مناطق مکان بسیار مناسبی برای شکل‌گیری گله‌های کوچ و بز کوهی در گذشته بوده و گروه‌های انسانی کوچ‌رو بسیاری با اقتصاد معیشتی گله‌داری در کنار چشمه‌ها و در طول دره اتراق کرده و به چرای دام خود در میان کوهساران پرداخته‌اند. این مناطق در عین حال محل اصلی مجموعه هنر صخره‌ای یا همان سنگ‌نگاره‌های سراوان به شمار می‌آید که این مکان‌گزینی در ارتباط با محیط طبیعی آن منطقه قابل تفسیر است.

در ایران، بلوچستان و به‌ویژه سراوان یکی از شاخص‌ترین مناطقی است که در بردارنده مجموعه غنی هنر صخره‌ای و سنگ‌نگاره‌ها است که این سنگ‌نگاره‌ها عموماً در طول رشته‌کوه معروف سیاهان که از جنوب شرق شهرستان خاش تا پاکستان ادامه دارد واقع شده‌اند. برخی از تخته‌سنگ‌های این دره‌ها مانند بوم‌های نقاشی، محلی برای ایجاد نقوش از دوره‌های مختلف بوده است که از مهمترین این دره‌ها، «دره نگاران» و دره مرزبانیک است (Moradi et al, 2013). دره نگاران دارای سنگ‌نگاره‌های متنوعی است که برای اولین بار محمد حیدری از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی استان به بررسی آن پرداخت. گرچه نتایج مطالعات ایشان تاکنون منتشر نشده ولی در نشریه دانشجویی دانشگاه سیستان و بلوچستان و در یک شماره اختصاصی به معرفی کلی مجموعه‌های شناسایی شده پرداخت (حیدری، ۱۳۸۲). پس از این، فعالیت جامعی که در زمینه شناسایی و تدوین سنگ‌نگاره‌های بلوچستان در شهرستان سراوان انجام شد در جریان بررسی باستان‌شناسی پاییز ۱۳۸۹ به سرپرستی نگارندگان صورت گرفت (تصویر ۲) (Moradi et al, 2013).

### پیشینه پژوهشی و پراکنش سنگ‌نگاره‌ها در ایران

بررسی مک‌برنی در غارهای میرملاس (Mirmelas)، هومیان (Homyan) و برد اسپید (Bardespid) لرستان در سال ۱۹۶۹ میلادی را باید آغاز مطالعات هنر صخره‌ای ایران به حساب آورد (برنی، ۱۳۴۸: ۱۴-۱۶). در همان سال‌ها ایزدپناه در دره میرملاس نقش‌هایی در کوه سرسرخن (Sarsorxen) و تنگه کرشورآب (Korsurow) در کوه دوشه، واقع در کوه‌دشت، شناسایی کرد که با رنگ‌های قرمز و سیاه نقش شده بودند (ایزدپناه، ۱۳۴۸: ۱۳-۱۶). از دیگر مناطق زاگرس که نقوش صخره‌ای در آنها شناسایی شده، باید به منطقه اورامانات کردستان اشاره کرد (Lahafian, 2004) که نقوش حیوانی، انسانی و نمادین مورد شناسایی قرار گرفتند که با روش کنده و با فن کوبشی ایجاد شده بودند (Ghasimi, 2007: 89-106). در دره انجیران مهاباد نقوش انسانی و حیوانی در صحنه‌هایی مانند شکار نقش شده‌اند (Mohamadi Ghasrian, 2007: )

54-50). در این دو منطقه سبک کلی نقوش و صحنه‌های سنگ نگاره‌ها با مناطق بسیاری از ایران مانند یزد، اصفهان، استان مرکزی و بلوچستان همانند است (تصویر ۴). منطقه ارسباران را باید از مهم‌ترین مناطق شمال غرب ایران در زمینه مطالعات سنگ‌نگاره‌ها دانست. دره هوراند واقع در منطقه ارسباران شرقی دارای نقوش انسانی، حیوانی و نمادینی است که علاوه بر صحنه‌های شکار، نقوش انسانی در حالاتی شبیه رقص نشان داده شده‌است. غیر از یک نقش گوزن سایر نقوش در این منطقه با فن نقش‌کننده ایجاد شده‌اند و برخی از این نقوش بنا به نظر رفیع‌فر مرتبط با شمنیسم است (Rafifar, 2007: 203-213). همچنین در شمال غرب ایران در منطقه دوزداغی، سنگ‌نگاره‌هایی که سبک آنها با نمونه‌های سراوان قابل مقایسه می‌باشد شناسایی شده‌است (Niknami et al, 2012).

در فلات مرکزی، در شمال غرب اراک (پوربخشنده، ۱۳۸۶: ۴۶-۴۹)، در محدوده تاریخی تیمره (فرهادی، ۱۳۷۷)، در جنوب استان قزوین (ملاصالحی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۵-۴۵) و در سنگستون شهرستان قم نیز سنگ‌نگاره‌هایی با نقوش بز کوهی و صحنه‌های شکار دیده شده‌است که از روش کلی آفرینش سنگ‌نگاره‌ها در بسیاری از نقاط فلات ایران حکایت دارد. در دیگر مناطق فلات مرکزی ایران، در استان‌های یزد (شهزادی، ۱۳۷۶: ۱۳۳-۱۴۲، حصارنوی، ۱۳۸۲: ۱۸۰-۱۸۶) و اصفهان (محمدی قصریان، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۳) نیز گزارش‌هایی مبنی بر وجود نقوش صخره‌ای در دست است که با بسیاری از مناطق ایران قابل مقایسه است (تصویر ۴).

در شمال شرق ایران سنگ‌نگاره‌های دشت توس توسط بختیاری مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌است که از طرف پژوهشگر این آثار و بر اساس مطالعه تطبیقی نقوش سنگ‌نگاره‌ها با سفال‌های پیش از تاریخی مناطق فلات مرکزی، غرب و جنوب غرب ایران مانند سیلک، شوش، تل باکون به ادوار گوناگون پیش از تاریخ منتسب شده‌اند (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۳۴). عدم توجه به شواهد باستان‌شناختی مرتبط با این آثار و اتکاء صرف بر تطبیق و همانندپنداری میان نقوش سنگ‌نگاره‌ها و سفالینه‌ها بدون در نظر گرفتن بعد مسافت میان شوش در جنوب غرب و توس در شمال شرق از نقدهای جدی است که به این تاریخ‌گذاری وارد است (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۴). در استان خراسان جنوبی، در چهار نقطه، لاکمزار، کال‌جنگال، تنگل استاد و ماخونیک، نقوش صخره‌ای مهمی به همراه کتیبه‌هایی از دوره اشکانی، ساسانی و اسلامی شناسایی شده‌است که نقوش شامل گروه‌های انسانی، حیوانی و گیاهی و همچنین کتیبه‌هایی به خط پهلوی اشکانی، پهلوی ساسانی، فارسی و عربی و نقوش نمادین و علامت‌هاست. (لباف‌خانیک و بشاش، ۱۳۷۳: ۱۵-۲۰). دره کال

## ۲۱۸ ♦ تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) بر پایه شواهد باستان‌شناختی

جنگال (Kal-e-jangal) در ۳۵ کیلومتری جنوب غرب شهر بیرجند نیز دارای نقوش و کتیبه‌هایی متعلق به دوره اشکانی و ساسانی است (سلطانی و یوسفی، ۱۳۸۹، چاپ نشده).

جنوب شرق ایران شامل استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان است. از استان کرمان از دو نقطه سیرجان و شهر بابک سنگ‌نگاره‌هایی گزارش شده است. در مناطق مذکور نقوشی انسانی، جانوری، گیاهی، هندسی و نمادین در تپه شاه‌فیروز سیرجان شناسایی شد (فرهادی، ۱۳۷۶: ۱۲-۱۹). در استان سیستان و بلوچستان اولین بار یک زمین‌شناس در سال ۱۹۵۸ در منطقه خاش چند مجموعه سنگ‌نگاره شناسایی کرد که شامل نقوش حیوانی و انسانی بود (Dessau, 1960: 658-266). در یک دهه اخیر که بررسی‌های باستان‌شناسی رونق قابل توجهی گرفته است، گزارش‌هایی مبنی بر وجود نقوش صخره‌ای در بیشتر نقاط بلوچستان نیز تهیه شده است. علاوه بر سراوان (Moradi et al, 2013) دومین منطقه بلوچستان که حداقل از سال ۱۳۸۲ تاکنون گزارش‌هایی از آن در دست است، شهرستان نیکشهر و به خصوص دره‌ی کاجو (Kajou) واقع در بخش قصرقند (Qasr-e-Qand) است (سلطانی، ۱۳۸۹).

### شواهد باستان‌شناختی در ارتباط با تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها

منطقه سراوان یکی از غنی‌ترین مناطق استان سیستان و بلوچستان از دیدگاه مطالعات باستان‌شناسی است. شمار محوطه‌های شناسایی شده در این شهرستان در حدود ۲۰۰ محوطه است که از هزاره سوم پم تا دوران اسلامی را دربر می‌گیرد (مرادی و سرحدی دادیان، ۱۳۹۲: ۴۰۷). وجود این آثار در ارتباط با منابع آبی این منطقه و به‌ویژه در رودخانه ماشکید و سیمیش و شعبه‌های فرعی آن، امکان زیست‌گروه‌های انسانی را در طی ادوار مختلف فراهم کرده است. آثار و محوطه‌های سراوان را می‌توان در سه طیف پیش از تاریخ (منحصراً هزاره سوم پم)، یک دوره احتمالی هزاره اول با برخی نمونه سفال‌های لوندو، دوران تاریخی (منحصراً دوره اشکانی با سفال لوندو و قبرهای دمبی) و دوران اسلامی میانی و معاصر طبقه‌بندی کرد. تنوع تاریخ‌گذاری آثار سراوان بسیار محدود بوده و برخلاف دره بمپور ایران‌شهر (مرادی و دیگران، ۱۳۹۲) تنها چند دوره مشخص را دربر می‌گیرد.

آثار دوره پیش از تاریخ شامل تپه‌ها و محوطه‌هایی است که عموماً در نزدیکی مناطق شهری و روستایی امروزی قرار گرفته‌اند. این پدیده نشانگر ارزش زیاد زمین‌های کشاورزی به‌دلیل کمبود آن و شرایط یکسان جغرافیایی از هزاره سوم پم به این سو در منطقه است که باعث شده تا امروزه جابه‌جایی اندکی در زیستگاه‌ها شاهد باشیم (Raikes and Dyson, 1961: 265-266).

سفال‌های موجود بر این محوطه‌ها در دو طیف خمیره خاکستری و قرمز دیده شده‌اند و دارای نقشمایه‌های هندسی، جانوری و گیاهی است که با نقشمایه‌های بمپور I-IV، میری کلات IIIb و شهر سوخته II و III قابل مقایسه‌اند (تصویر ۵). دانستن این نکته ضروری است که هیچ‌کدام از محوطه‌های شناسایی شده متعلق به پیش از تاریخ منطقه در فاصله نزدیک یا به نسبت نزدیک به سنگ‌نگاره‌ها قرار نگرفته‌اند و اصولاً به نظر می‌رسد که اقتصاد حاکم بر جوامع انسانی در هزاره سوم پم در حاشیه رودخانه‌های سیمیش و ماشکید کشاورزی و یکجانشینی بوده‌است.

همان‌گونه که گفته شد همه سنگ‌نگاره‌های منطقه در دل دره‌های اطراف، به ویژه کوه سیاهان قرار گرفته‌اند که طبیعتی کوهستانی داشته و بستر و بوم مناسب برای آفرینش سنگ‌نگاره‌ها را فراهم نموده است. اما آثار پیش از تاریخ در فاصله‌ای دورتر از سنگ‌نگاره‌ها قرار دارند و به صورت مشخصی در حاشیه رودخانه‌های مهم منطقه و شاخه‌های فرعی آن قرار گرفته‌اند. فاصله موجود بین کوه سیاهان و سایر سنگ‌نگاره‌ها با آثار هزاره سوم در خطی مستقیم و فرضی در حدود ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر است و طی بررسی باستان‌شناسی منطقه به هیچ اثر پیش از تاریخی که در نزدیکی یا حوالی سنگ‌نگاره‌ها قرار گرفته باشد، برنخوردیم و حتی نشانه‌هایی از مواد فرهنگی مرتبط با ادوار گوناگون پیش از تاریخ در اطراف این سنگ‌نگاره‌ها به دست نیامد. طبیعت کوهستانی و سنگلاخی که سنگ‌نگاره‌ها در آنجا قرار گرفته‌اند با شرایط طبیعی زیستگاه‌های هزاره سوم پم بسیار متفاوت است. دانش باستان‌شناسی ما از هزاره سوم پم تا دوره اشکانی به دلیل فقدان مدارک باستان‌شناختی، بسیار اندک است اما اطلاعات باستان‌شناسی ما از دوره اشکانی به نسبت زیاد بوده که از قبرستان‌های پشته‌سنگی موسوم به دمبی و نیز محوطه‌های منسوب به این دوره به دست آمده است. قبرستان‌های موسوم به دمبی، قبرستان‌هایی با قبرهایی ساخته شده از قلوه‌سنگ است که ارتفاعی بالغ بر ۵۰ سانتی‌متر از سطح زمین داشته و قطر آنها بین ۲ تا ۴ متر در نوسان است (تصویر ۶). بر سطح این قبرستان‌ها سفال به تعداد بسیار اندک به چشم می‌خورد و از سایر مواد فرهنگی بر آنها خبری نیست. شناخته‌شده‌ترین قبرستان دمبی، دمبکوه در دشتیاری چابهار است که اشتین کاوش کرده است و در یکی از قبور این محوطه یک عدد سکه سیناتروک یافت شده است (Stein, 1937: 73-80). علاوه بر این اشتین به حجم قابل قبول سفال دست یافته است که برای نخستین بار آنها را به‌عنوان سفال دوره اشکانی تاریخ‌گذاری کرد. دکاردی این نوع سفال را که به نام لوندو معرفی می‌کند با تردید و براساس تشابهات آن با سفال قبرستان ب سیلک به هزاره اول منسوب می‌کند (de Cardi, 1951: 62-75). اما لامبرگ کارلوفسکی در لایه‌های بالایی تپه یحیی، درست بر لایه مربوط به دوره هخامنشی و زیر

## ۲۲۰ ♦ تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) برپایه شواهد باستان‌شناختی

آثار ساسانی، این نوع سفال را به‌دست آورده و آنها را سفال دوره تاریخی اشکانی معرفی کرده است (Lamberg-Karlovsky, 1970: 89). سیدسجادی در بررسی‌هایی که در سال ۱۳۶۸ در کرمان انجام داده از این سفال به نام گونه نمود (Namord) نام برده و آن را پس‌پارتی یا ساسانی تاریخ‌گذاری کرده است (Sajjadi, 1989: 36) و در نوشتار بعدی معتقد است که این سفال بیانگر یک سنت دیرپای سفالگری از هزاره اول تا دوره تاریخی است (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۱۷۷-۱۸۰). پاتس نیز طی مقاله‌ای ضمن تحلیل و ارزیابی داده‌های به‌دست آمده از مناطق جنوبی خلیج فارس و مقایسه آنها با یافته‌های سیدسجادی آنها را سفال پارتی قدیم و پارت و ساسانی می‌داند (Potts 1998: 207-214) و بارکر نمونه‌های قابل مقایسه با این سفال را که در وادی سوق، محوطه شرم (Sharm) در امارات متحده عرب به‌دست آورده است، متعلق به هزاره اول می‌داند (Barker 2002: figs. 25-26, nos.11-12).

قدیم‌ترین آثار و محوطه‌های در ارتباط با سنگ‌نگاره‌های سراوان همین قبرستان‌های دمبی است که عموماً در دشت‌ها و کوهپایه‌های نزدیک به دره‌ها قرار گرفته‌اند و دارای مسافتی منطقی در ارتباط با سنگ‌نگاره‌ها هستند. در بررسی منطقه این نکته به‌وضوح مشاهده شد که نزدیک‌ترین آثار تاریخی به سنگ‌نگاره‌ها از نظر مسافت، قبرستان‌های دمبی است که در فاصله اندکی نسبت به سایر آثار باستانی از سنگ‌نگاره‌ها قرار گرفته‌اند. در حقیقت، نوار حاشیه‌ای کوه سیاهان که دارای جهتی شمالی جنوبی است، محل وجود قبرستان‌های دمبی است که در امتداد این کوه و در زمین‌های هموار منتهی به دره‌ها به‌صورت پیوسته واقع شده‌اند. بزرگ‌ترین قبرستان دمبی در این منطقه قبرستان معروف گشت (Gosht) در نزدیکی شهر گشت است که وسعتی بالغ بر ۲۰۰ هکتار دارد و تمرکز زیاد قبور در واحد سطح از ویژگی‌های این قبرستان به‌شمار می‌آید. منطقه حوالی گشت یکی از غنی‌ترین مناطق از نظر وجود سنگ‌نگاره‌ها است و دره‌های اطراف گشت پر از سنگ‌نگاره‌هایی با تنوع نقوش زیاد و پراکندگی فراوان است. اگر چه در سایر دره‌ها و نقاط کوه سیاهان و سایر کوه‌ها سنگ‌نگاره مشاهده شده است اما تمرکز عمده آنها در حوالی گشت بیش از سایر نقاط است.

داده‌های باستان‌شناسی ما از دوره اسلامی به‌صورت چشمگیری مربوط به دوره اسلامی میانی تا متأخر بوده و سفال قرمز رنگ دست‌ساز با نقوش سیاهرنگ زنجیری شکل مشابه سفال معاصر کلپورگان، به‌همراه زیستگاه‌های کوچ‌رو از مهم‌ترین نشانه‌های باستان‌شناسی در این مورد است. اگر چه در متون و اسناد دوره اسلامی شواهد فراوانی برای حضور جوامع انسانی در منطقه دوره اسلامی در دست داریم اما شواهد باستان‌شناسی ما مربوط به قطعه سفال‌هایی است که از نظر سبک‌شناسی

می‌توان آنها را به دوران میانی اسلام منتسب ساخت. همچنین از دیگر آثار شاخص این دوره می‌توان به مقابر جالق اشاره کرد که متعلق به دوره ایلخانی تا تیموری است (مرادی، ۱۳۹۰: ۱۷۰-۱۷۱). فقر اطلاعات و آگاهی ما درباره تاریخ این منطقه طی دوره اسلامی با منابع نوشتاری تاریخی درباره مکران و بلوچستان و همچنین با مطالعات مردم‌شناختی تکمیل می‌گردد. شواهد مردم‌شناسی در اطراف دره‌های سیاهان بیان می‌کند که این ناحیه یکی از کانون‌های تمرکز عشایر بلوچ، به‌ویژه طایفه گمشاد زهی، بوده است و داده‌های باستان‌شناسی نیز روند تاریخی حضور عشایر و کوچ‌روها را در این منطقه از دوره اسلامی میانه به این سو تأیید می‌کند (مرادی و سرحدی دادیان، ۱۳۸۹). در دره‌هایی که سنگ‌نگاره‌ها در آنها وجود دارد پراکندگی آثار و محوطه‌های عشایری معاصر با همان نمونه سفال‌های گفته شده موسوم به سبک کلپورگان بسیار به چشم می‌خورد و می‌توان گفت که بیشترین آثار پراکنده در اطراف دره‌های سراوان مربوط به استقرارهای عشایری و کوچ‌رو بلوچ است. مسئله مورد توجه این است که در اطراف بیشتر قبرستان‌های دمی افزون بر سفال گونه لوندو، سفال‌های قرمز دست‌ساز عشایری با پوشش بسیار غلیظ قرمز و سطح صیقلی دیده می‌شود که متعلق به یکی دو سده اخیر بوده و با نمونه سفال‌های کارگاه کلپورگان قابل مقایسه است که امروزه نیز ساخت آن رواج دارد و از نظر تاریخ‌گذاری این سفال به قرون معاصر مرتبط می‌شود. همچنین باید توجه داشت که در اطراف و محدوده قبرستان‌های دمی هیچ‌گونه شواهد استقراری در ارتباط با این قبرستان‌ها دیده نشده است و همه شواهد استقراری، مربوط به یکی دو سده اخیر است (مرادی و سرحدی دادیان، ۱۳۸۹) که ظن وجود جوامع کوچ‌رو را از دوره تاریخی به این سو به‌عنوان شیوه غالب زندگی در این منطقه تقویت می‌کند و این واقعیت در ادامه نوشتار، ما را در تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها در بستر اجتماعی آنها یاری خواهد کرد.

### سنجش فرضیات و پرسش‌های مرتبط با تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها

پیش از این، محمد حیدری در مقاله‌ای که در ویژه‌نامه نشریه دانشجویی گروه باستان‌شناسی دانشگاه زاهدان منتشر کرده است تاریخ سنگ‌نگاره‌ها را هزاره هشتم تا عصر حاضر مرتبط می‌داند (حیدری، ۱۳۸۲) و نگارندگان، به‌صورت کلی آنها را به دوره پیش از تاریخ یا عصر آهن تا اسلامی معاصر تاریخ‌گذاری کرده‌اند (Moradi et al, 2013: 348). اخیراً فرشته سرحدی در مقاله‌ای همین مجموعه سنگ‌نگاره‌ها را به‌صورت کلی و بدون ارائه شواهد تاریخ‌نگارانه، متعلق به دوران پیش از تاریخ تا اسلامی می‌داند (Sarhaddi, 2013: 7)



باید در نظر داشت که تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها یکی از دشواری‌های پیش روی محققانی است که در زمینه هنر صخره‌ای پژوهش می‌کنند زیرا این آثار هم فاقد موادی هستند که بتوان با آزمایش‌های رایج شیمیایی و فیزیکی مانند کربن ۱۴ آنها را تاریخ‌گذاری کرد و هم به دلیل واقع نشدن در کانتکس‌های رایج باستان‌شناختی نمی‌توان نسبت به تاریخ‌گذاری نسبی آنها نظر داد. به همین دلیل باستان‌شناسان برای تعیین قدمت سنگ‌نگاره‌ها چاره‌ای جز استفاده از روش‌هایی مانند مقایسه سنگ‌نگاره‌ها با نقوش اشیاء شناخته شده باستانی ادوار مختلف مانند سفال ندارند. در بلوچستان، این روش در مورد سنگ‌نگاره‌های قصرقند شهرستان نیکشهر صورت گرفته و با توجه به مقایسه نقوش سنگ‌نگاره‌های قصرقند با نقوش سفال‌های و ظروف هزاره سوم پم جنوب شرق ایران و دره سند برخی از این نقوش به پیش از تاریخ و برخی نیز به دوره تاریخی و اسلامی منتسب شده‌اند (Shirazi and Soltani, 2011: 150). اما روش دیگر که در این مقاله ما از آن استفاده کرده‌ایم رابطه همجواری سنگ‌نگاره‌ها با آثار و توجه به کلیت باستان‌شناسی منطقه است. با وجود این باید اعتراف کرد هر دوروش تاریخ‌گذاری ما نسبی و دارای نقص است.

محمد حیدری در گزارشی که از سنگ‌نگاره‌ها در ویژه‌نامه دانشگاه زاهدان چاپ شده (حیدری، ۱۳۸۲)، سعی کرده که در مورد تاریخ‌گذاری آنها نظریاتی ارائه دهد. حیدری نقوش دره نگاران را به سه دوره قدیم، میانه و جدید تقسیم می‌کند. ایشان با توجه به موضوع نقوش و صحنه‌ها به این تقسیم‌بندی زمانی قائل است و معتقد است نقوش قدیم مربوط به پیش از تاریخ است و موضوع شکار که انسان‌ها را در حال شکار حیواناتی مانند گاو و بز است را به هزاره‌های چهارم تا هشتم پم مرتبط می‌داند. وی معتقد است که نقوش جدیدتر یا میانه، روی این دسته از سنگ‌نگاره‌ها حک شده‌اند. حیدری می‌نویسد که اکثر نقوش دره نگاران مربوط به دوره میانه یا دوره تاریخی است و این دسته از صحنه‌ها که شامل سوارکاران است را به مهاجمان هزاره اول تا ۱۵۰۰ پم منتسب می‌داند (حیدری، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۱).

همان‌نقدها که در مورد نظریات تاریخ‌گذاری سایر باستان‌شناسان در مورد سنگ‌نگاره‌ها بیان شد بر این نظریات نیز وارد است مضاف بر اینکه آقای حیدری از محدوده زمانی هزاره هشتم تا چهارم پم برای برخی نقوش می‌گوید و هیچ دلیلی بر این ادعای خود مطرح نمی‌کند. باید توجه داشت که تاکنون هیچ‌گونه شواهدی از حضور گروه‌های انسانی از دوره نوسنگی (هزاره هشتم تا پنجم پم) بلوچستان به دست نیامده است و پذیرفتن این تاریخ کمی دشوار است. از سوی دیگر ادعای انتساب نقش شکار به این دوره زمانی (هزاره چهارم تا هشتم پم) قابل تردید است چراکه

نقش شکار حیواناتی مانند بز کوهی و گاو از رایج‌ترین صحنه‌های سنگ‌نگاره‌های بلوچستان است که تقریباً در تمام نقاط آن به‌دست آمده است و نمی‌توان پذیرفت که این همه نقوش مربوط به دوره نوسنگی باشد ولی حتی یک استقرار مربوط به دوره نوسنگی در بررسی‌های باستان‌شناختی بلوچستان شناسایی نشده باشد. از سوی دیگر نقش انسان‌های اسب سوار که حیدری آنها را به ورود اقوام مهاجم همچون ساگارتی نسبت داده است که با اقوام دیگر در حال جنگ و نزاع است (حیدری، ۱۳۸۲: ۲۰).

اما در ارتباط با شواهد مورد بحث برای تاریخ‌گذاری این سنگ‌نگاره‌ها باید گفت که نزدیک‌ترین و مشخص‌ترین آثار در ارتباط با سنگ‌نگاره‌ها، قبرستان‌های دمی است که در امتداد کوهپایه سیاهان قرار گرفته‌اند (مرادی و سرحدی دادیان، ۱۳۸۹). همان‌گونه که پیشتر بحث شد، نظر عموم باستان‌شناسان بر این است که این قبرستان‌ها متعلق به دوره پارتنی و سده‌های ۱ تا ۳ میلادی هستند، هرچند همان‌گونه که پیشتر گفته شد، می‌توان برخی نمونه سفال‌های موسوم به لوندو را متعلق به هزاره اول دانست (de Cardi, 1951: 62-75; Barker, 2001: 1) و می‌توان گفت که سنت ایجاد قبور دمی در منطقه، تاریخی بین هزاره اول تا دوره تاریخی دارد. پدیده دیگری که تاریخ‌گذاری هزاره اول پم برخی سنگ‌نگاره‌ها را تقویت می‌کند تأکید زیاد بر نشان دادن آلت تناسلی مردان و جانوران در برخی نقوش این مجموعه‌ها است (تصویر ۷). به‌نظر می‌رسد که این سنت تصویرگری و تأکید بر آلت مردانه از ویژگی‌های هنر مردمان هزاره اول برخی نقاط فلات ایران است. نقوش و سفالینه‌های موجود از مارلیک (نگهبان، ۱۳۷۸: تصویرهای ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱) و لرستان متعلق به هزاره اول پم (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۲۷۴، ۲۷۶ و ۲۷۸) همگی دربرگیرنده نمونه‌هایی از تأکید بر بازنمایی آلت تناسلی مردانه است. کیفیت و ویژگی گفته شده نقوش موجود ما را به این نتیجه می‌رساند که درنهایت می‌توان تاریخی بین هزاره اول تا دوره پارتنی را به‌عنوان قدیم‌ترین تاریخ برای بسیاری از سنگ‌نگاره‌ها پیشنهاد داد. همچنین نباید این نکته را نادیده گرفت که برخی دیگر از این نقوش در دوره‌های بعدی به‌ویژه دوره اسلامی میانی به این سو تعلق دارند. زیرا شواهد مردم‌شناسی و باستان‌شناسی به‌صورت توأمان وجود کوچروهای بلوچ را در این تاریخ در منطقه اطراف دره‌های سیاهان به اثبات رسانده است.

وجوه تشابه این نقوش با سایر سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران و نیز مناطق همجوار ایران یکی دیگر از جنبه‌های مؤثر در تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های منطقه است. بعد دیگر تشابه این نقوش را باید در یک حوزه برهم‌کنش منطقه‌ای وسیع (Interaction Sphere) جست‌وجو کرد که در

این خصوص، می‌توان سنگ‌نگاره‌ها را به‌عنوان نشانه‌هایی از الگوهای زیستی مشترک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در نظر گرفت. به‌نظر می‌رسد سنت‌ها و الگوهای کوچروی ایران، هند، پاکستان آسیای مرکزی و سواحل جنوبی دریای عمان و خلیج فارس دارای تشابهات فراوان است (Possehl, 1979: 547). سنگ‌نگاره‌های سراوان دارای تشابهات فراوانی از لحاظ سبک کنده‌کاری، تشابه نقوش و ترکیب صحنه‌ها با مناطقی از شبه قاره هند، آسیای مرکزی، حوزه خلیج فارس و زاگرس است. به‌عنوان نمونه نقوش انسانی و جانوری به‌ویژه بز و همچنین ترکیب و شکل کلی صحنه‌های شکار با نمونه‌های قزاقستان (Sher et al, 1999: figs.19,20-21) (تصویر ۹)، ترکیب صحنه‌های شکار و تشابه مرد شکارچی با کمان که در تعقیب گله بز کوهی است با نمونه‌های مشابهی در شرق صحرای مغولستان (Jacobson et al, 2006: 257 and 323; Williams, 2008: fig.7) (تصویر ۹) ترکیب صحنه شکار با حضور مردان نیزه به دست و کماندار و نقوش خورشید شکل با سنگ‌نگاره‌هایی در شرق هند (Agrawal, 1982: fig.43; Boivin, 2004: fig.20; Moradi et al 2013: fig.2) و در نهایت طرح دست و نیز شکل بزها با نقوش هزارسم افغانستان (ادیتا کاستالدی، ۱۳۴۵: ۶۲۰) قابل مقایسه‌اند (تصویر ۸). از طرف دیگر نقوش سراوان در بسیاری نمونه‌ها از جمله نقوش بز و انسان سوارکار و سایر نقوش و نیز ترکیب نقشها با نقوش صخره‌ای و سنگ‌نگاره‌های غرب ایران از جمله در منطقه اورامان کردستان (Ghasimi, 2007: figs.16-19) و منطقه ارسباران در شمال غرب ایران (Rafifar, 2007: fig.7) دارای همانندی‌های چشمگیری است (تصویر ۳).

شایان ذکر است که سنگ‌نگاره‌های کردستان به هزاره اول پم و دوره تاریخی (Lahafian, 2004: 6) و نقوش دره هومیان لرستان نیز از طریق مقایسه تطبیقی با مفرغ‌های لرستان و سایر موارد به هزاره اول و عصر آهن مرتبط شده‌اند (Rimacle et al, 2006: 13). نیز پژوهشگران سنگ‌نگاره‌های منطقه دوزداغی نیز ضمن اشاره به وجود محوطه عصر آهن زرخانه در نزدیکی این سنگ‌نگاره‌ها، آفرینش این آثار را به دوره‌های مختلف از دوره پیش از تاریخ تا معاصر نسبت می‌دهند (Kazempur et al, 2011: 384; Niknami et al, 2012) در این خصوص، نقوش پناهگاه صخره‌ای تنگ تداوان و غار تنگ تیهویی در جنوب استان فارس نیز به دوره تاریخی مرتبط گشته‌اند (Fazel and Alibaigi, 2012: 190). همچنین فرانکفرت سنگ‌نگاره‌های آسیای مرکزی را با دو دوره زمانی متفاوت مرتبط می‌داند. او بخشی از سنگ‌نگاره‌ها را همزمان با دوره مس‌سنگی و مفرغ آسیای میانه و مرتبط با اقوام هند و آریایی دانسته که به سمت جنوب به‌ویژه دره

سند مهاجرت کرده‌اند و گروه دیگر را با اقوام سکایی در هزاره اول و عصر آهن آسیای مرکزی مرتبط می‌داند (Francfort, 2000: 305). در دره سند، سنگ‌نگاره‌های منطقه کورنول (Kurnool) در آندرا پرادش (Andhra Pradesh) واقع در بخش‌های مرکزی هندوستان را براساس مطالعات شمایل‌شناسی و مقایسه عناصر به تصویر کشیده شده به ۵ فاز مختلف تقسیم کرده‌اند که فاز I را که شامل نقوش صخره‌ای نقاشی شده است (Pictograph) به دوره پارینه‌سنگی و چهار فاز دیگر را متعلق به هزاره اول تا دوره معاصر می‌دانند (Tacon et al, 2010 : 333-4). نیز سنگ‌نگاره‌های مدهایا پرادش (Madhya Pradesh) در بخش مرکزی هندوستان نیز قرون متأخر تا میانه تاریخ‌گذاری شده‌اند (Nagaraja Rao, 1986: 120). از طرف دیگر مجموعه هنر صخره‌ای سراوان تشابهات بسیار زیادی و جالب توجهی با نمونه‌های جنوب خلیج فارس و دریای عمان دارد و به‌ویژه ترکیب صحنه‌ها و نمونه نقوش بز و انسان کاملاً شبیه نمونه‌های سراوان است (Ziolkowski, 1998: 13-89, Table 20). پژوهشگر این سنگ‌نگاره‌ها، در مقاله بسیار مفصلی بسیاری از سنگ‌نگاره‌ها را براساس تطبیق نقوش با سایر مواد باستان‌شناختی و نیز تقدم و تأخر نقوش و سایر موارد به هزاره اول پم نسبت می‌دهد و فقط در رأس‌الجیز با توجه به نقوش انسانی که دست به هم داده‌اند تاریخی بین ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ پم ارائه می‌دهد و سایر سنگ‌نگاره‌ها با توجه به تشابه نقوش به هزاره اول پم منتسب شده‌اند (Ziolkowski, 1998: 63-79). همچنین تاریخ‌گذاری پیش از تاریخ برای نقوش قصیر امرا در عمان که نقوشی بسیار شبیه نمونه‌های سراوان دارد (Betts, 2001: figs.5,6,4 and 3) از طرف پژوهشگر به شدت رد شده است (Betts, 2001: 101).

### برآیند

با توجه به وجود الگوهای مشترک منطقه‌ای در ایران، آسیای مرکزی و هندوستان و همچنین حضور گروه‌های انسانی کوچرو که براساس شواهد باستان‌شناسی و مردم‌شناسی حضور آنها در بسیاری از نقاط بلوچستان از لحاظ تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است (Maruchek, 1976) و (جانب‌الهی، ۱۳۶۷)، سنگ‌نگاره‌های سراوان را باید بیش از هر چیز، در ارتباط با کوچروها و در زمینه یک معیشت وابسته به دامداری و کوچروی تفسیر کرد. شایان توجه است که در منطقه‌ای که به کشف شمار بسیار زیادی از سنگ‌نگاره‌ها در مناطقی همچون مرزبانیک، شیرپلنگان (Shir Palangan)، آپ‌انار (Ap Anar) و دره نگاران در سراوان منجر شد، هیچ‌گونه تپه یا محوطه

## ۲۲۶ ♦ تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) بر پایه شواهد باستان‌شناختی

باستانی از هزاره سوم پم که نشان‌دهنده وجود جوامع یکجانشین کشاورز در منطقه باشد، به‌دست نیامد (مرادی و سرحدی دادیان، ۱۳۸۹: چاپ نشده) و شواهد، حکایت از وجود کوچ‌چروها در منطقه دره‌های سیاهان به‌عنوان ساکنان اصلی آن دارد. بنابراین هم شواهد باستان‌شناسی یعنی وجود قبرستان‌های دمبی با سفال لوندو با تاریخ پیشنهادی هزاره اول پم تا دوره پارتنی در دامنه رشته کوه سیاهان و در نزدیکی سنگ‌نگاره‌ها، شمایل‌شناسی برخی نقوش و مقایسه تطبیقی آنها با سایر شواهد باستان‌شناسی مانند تأکید بر نمایش آلت مردانه در برخی نقوش، مقایسه تطبیقی نقوش سنگ‌نگاره‌های سراوان با سایر مناطق ایران و آسیای غربی (تصویر ۸ و ۹) و نیز عدم وجود آثار و مواد فرهنگی دوره‌های قدیمی‌تر از هزاره اول پم در ارتباط با این آثار ما را بر آن می‌دارد تا قدیم‌ترین تاریخ پیشنهادی برای این آثار را هزاره اول پم بدانیم و باید بر این مسئله تأکید کرد که سنت آفرینش سنگ‌نگاره‌ها در این منطقه از هزاره اول پم به این سو تداوم داشته و در دوره تاریخی به‌ویژه دوره پارتنی تا دوران معاصر این آثار به‌صورت مداوم خلق شده‌اند، تا جایی که برخی سنگ‌نگاره‌ها دارای نقوشی است که تاریخی کمتر از پنجاه سال دارند.

### سپاسگزاری

لازم است تا نخست از گروه بررسی باستان‌شناسی شهرستان سراوان آقایان سعید شنجمالی، بهرام عنانی، بابک بهشید و کاظم محمودی و سرکار خانم پروانه جنگی زهی سپاسگزاری کنیم. طی انجام این بررسی گروه و به‌ویژه نگارندگان مدیون راهنمایی‌های گرانتقدر آقای حبیب‌الله جنگی زهی فرهنگی بازنشسته سراوان بوده‌ایم. شناسایی سنگ‌نگاره‌های سراوان به همت سرپرستان این بررسی (مرادی و سرحدی دادیان) و با مدیریت و عشق و علاقه وافر زنده‌یاد مجتبی سلطانی در سال ۱۳۸۹ انجام شد. همراهی و همکاری عزیزمان در میراث فرهنگی سراوان آقای مجید دولتی (حسین‌بر) در فراهم آوردن تجهیزات و راهنمایی‌های محلی بی‌نهایت ارزشمند بوده است.

### کتاب‌نامه

#### الف) فارسی

ادیتا کاستالدی، راپور (۱۳۴۵). «کاوش‌های هزار سم سمنگان»، ترجمه یعقوب حسن قریشی، نشریه آرینا، شماره ۱۰: ۶۲۰-۵۶۵، کابل.

ایزدپناه، حمید (۱۳۴۸). «نقاشی‌های پیش از تاریخ در غارهای لرستان»، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۳: ۱۳-۶.

بختیاری شهری. محمود (۱۳۸۸). «بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های نویافته دشت توس»، مطالعات باستان‌شناسی، شماره نخست، دوره یکم: ۲۱-۴۴.

پورببخشنده، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی به نقوش صخره‌ای فراهان اراک، باستان‌پژوهی، دوره جدید، سال دوم شماره ۳: ۴۴-۴۶.

جانب‌الهی محمد (۱۳۶۷). «فنون کوچ‌نشینان بلوچ در سازگاری با محیط زیست، نمونه عشایر سراوان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، به‌کوشش محمدحسین پاپلی یزدی، سال سوم، شماره مسلسل ۹: ۱۲۲-۱۴۸.  
حصارنوی، علیرضا (۱۳۸۲). سنگ‌نگاره‌های دره گنج شهرستان تفت، مجله اثر، شماره ۳۵: ۱۸۰-۱۸۶.  
حیدری، محمد (۱۳۸۲). «سنگ‌نگاره‌های بلوچستان»، گاهنامه دانشجویی آوای باستان، سال دوم، شماره سوم (ویژه‌نامه سنگ‌نگاره‌های بلوچستان).

حیدری، نوذر (۱۳۸۹). گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناسی شهرستان زاهدان، بایگانی سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).

رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۴). سنگ‌نگاره‌های ارسباران (پژوهشی در مردم‌شناسی و باستان‌شناسی هنر)، تهران: سازمان میراث فرهنگی و پژوهشکده مردم‌شناسی.

سلطانی، مجتبی و صاحب یوسفی (۱۳۸۹). گزارش بررسی و تعیین حریم سنگ‌نگاره‌های کال جنگال، بایگانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی (منتشر نشده).

سلطانی، مجتبی (۱۳۹۱). بررسی و تعیین حریم سنگ‌نگاره‌های کال جنگال بیرجند، خراسان جنوبی، یازدهمین گردهم‌آبی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران.

سلطانی، مجتبی (۱۳۸۹). تحلیل شمایل‌نگاری و گاهنگاری سنگ‌نگاره‌های قصر قند نیک شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشگاه زاهدان (منتشر نشده)

سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۷۴). باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان (هشت گفتار)، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

شهزادی، دینیار (۱۳۷۶). «سنگ‌نگاره‌های کوه ارنان یزد»، گزارش‌های باستان‌شناسی (۸)، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه): ۱۳۳-۱۴۲.

شیدرنگ، سونیا (۱۳۸۶). «نقوش سنگی میوله، نویافته‌هایی از شمال کرمانشاه»، باستان‌پژوهی، شماره ۳: ۵۵-۶۰.  
فرامکین، گرگوار (۱۳۷۲). باستان‌شناسی آسیای مرکزی، ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: مؤسسه چاپ وزارت امور خارجه.

فرهادی، مرتضی (۱۳۷۶). «موزه‌هایی در باد: معرفی مجموعه‌های عظیم سنگ‌نگاره‌های نویافته تیمره»، مجله جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۷ و ۸: ۱۳-۶۲.

فرهادی، مرتضی (۱۳۷۷). موزه‌هایی در باد، رساله‌ای در باب مردم‌شناسی هنر (گزارش مجموعه سنگ‌نگاره‌ها و نمادهای نویافته صخره‌ای تیمره)، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

قسیمی، طاهر (۱۳۸۶). «گزارش بررسی نقوش صخره‌ای در منطقه اورامان»، باستان‌پژوهی، شماره ۳: ۷۱-۸۰.

کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۷۹). سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، تهران: ققنوس.

## ۲۲۸ ♦ تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) برپایه شواهد باستان‌شناختی

- لباف‌خانکی، رجبعلی و رسول بشاش (۱۳۷۳). سنگ‌نگاره‌های لاخل مزار، بیرجند، سلسله مقالات پژوهشی ۱، تهران: معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی.
- محمدی قصریان، سیروان (۱۳۸۶). «نقوش صخره‌ای کوه قلعه بزی اصفهان»، باستان‌پژوهی، دوره جدید، سال اول، شماره ۱: ۶۲-۶۳.
- مرادی، حسین و سرحدی دادیان، حسین (۱۳۸۹). گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان سراوان، بایگانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).
- مرادی، حسین (۱۳۹۰). «بررسی باستان‌شناسی شرق شهرستان سراوان (بخش جالق)»، گزارش‌های باستان‌شناسی (۷): مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران ۱۳۸۶، جلد ۴: ۱۶۱-۱۷۸.
- مرادی، حسین و حسین سرحدی دادیان، ۱۳۹۱، "گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان سراوان" در: مجموعه مقالات یازدهمین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، تهران، ص. ۴۰۷، خلاصه،
- مرادی، حسین، حسین سرحدی دادیان و مجتبی سلطانی (۱۳۹۲). «گزارش بررسی باستان‌شناختی دره بمپور»، مجموعه مقالات همایش ملی باستان‌شناسی ایران. بیرجند: دانشگاه بیرجند: ۱-۲۳.
- مک‌برنی، ر (۱۳۴۸). «گزارش مقدماتی بررسی و حفاری در غارهای منطقه کوه‌دشت»، ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره سوم: ۱۴-۱۶.
- ملاصالحی، حکمت‌الله، محمد سعیدپور، آتوسا مؤمنی و محمد بهرام‌زاده (۱۳۸۶). «باستان‌شناسی صخره‌نگاره‌های جنوب استان قزوین (بررسی مستندنگاری نقوش صخره‌ای محوطه‌های چلمبر، یازلی و قلیچ کند)، باستان‌پژوهی، دوره جدید، سال دوم شماره ۳: ۳۵-۴۵.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۸). حفاری‌های مارلیک (جلد اول)، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

## (ب) نافرسی

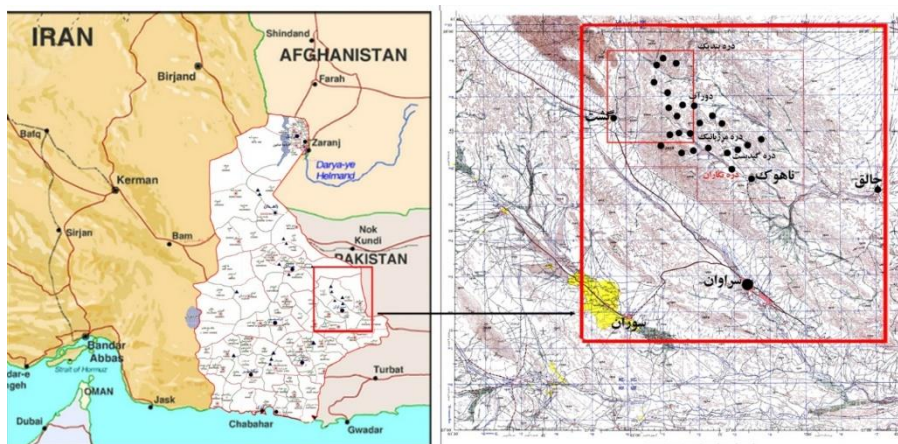
- AGROWAL, D.P. (1982). *Archaeology of India, Scandinavian institute of Asian studies, Copenhagen.*
- BARKER, Diane. (2002). Wadi Suq and Iron Age Period Ceramics From Sharm, Fujairah(U.A.E): *Arabian Archaeology and Epigraphy*, D.T. Potts(ed), pp. 1-94
- BETTS, Alison. V.C. (2001). Graffiti from Qusayr Amra: A Note on Dating of Arabian Rock Carving: *Arabian archaeology and Epigraphy*, 2001, Vol.12, pp.96-102
- Boivin, N. (2004). Rock art and rock music: Petroglyphs of the south Indian Neolithic. *Antiquity*, 78:38-53.
- DE CARDI, B. (1960). "A new prehistoric ware from Baluchistan", *Iraq*, vol. XIII, pp. 63-74, 1951
- DESSAU, G. (1960). Rock engravings (Graffiti) from Iranian Baluchistan, *East and West*, vol. 11, no 1, pp. 258-266.
- FAZEL.L and S. ALIBAIGI (2012). "Discovery of Cave Art in the Province of Fars, Southern Iran", *Rock Art Research*, Vol. 29, Number 2, Pp. 187-190.
- FRANCFORT, H. P. (1991). "Note on some Bronze age petroglyphs of upper Indus and Central Asia", *Pakistan Archaeology*, No. 26, pp. 125-135.

- FRANCFORT, H. P. (2000). Central Asian Petroglyphs: Between Indo- Iranian and Shamanistic Interpretations, in: C. Chippenda le and P.S.C. Tacon (eds), *The Archaeology of rock art 2nd ed*, Cambridge University Press, Cambridge, Pp. 302-313.
- GHASIMI, T. (2007). Les gravures rupestres d'Uraman (Iran), *Art et sociétés*, TOME LXII, pp. 89-106,
- INDIAN ARCHAEOLOGY 1983-84- A Review, M.S.NAGARAJA RAO (ed), Director General Archaeological Survey of India, Government of India, New Delhi, 1986
- JACOBSON, E., KUBAREV, V AND TSEVEENDORJ, D. (2006). Répertoire des Péroglyphes d'Asie Centrale, Fascicule n° 7: Mongolie du nord-ouest, Haut Tsagaan Gol, (Mémoires de la Mission Archéologique Française en Asie centrale, vol. V.7), De Boccard, Paris.
- KAZEMPUR. MEHDI, NASIR ESKANDARI AND ASADOLLAH SHAFIZADE, (2011). In: *Documenta Praehistorica XXXVIII*, Pp.383-387
- LAHAFIAN, Jamal (2004). "Petroglyphs of Kurdistan", *Rock Art Research*, Vol. 21, Number.1, pp. 3-10.
- LAMBERG KARLOVSKY., C.C (1970). "Excavation at Tepe Yahya, Iran, 1967-1969: Progress Report 1 .Cambridge: *Bulletin of the American School of Prehistoric Research* 27
- MARUCHECK, J. T. (1976). "A Survey of Seasonal Occupation Sites in Northern Baluchistan", *Proceedings of the IV th Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, Tehran, pp. 272-283.
- MOHAMMADI GHASRIAN, S. (2007). "Rock art studies in Iran: new approaches", *Antiquity*, Vol. 81, No. 311, pp 50-54.
- MORADI. HOSSEIN, HOSSEIN SARHADDI DADIAN, MOJTABA SOLTANI, NIK HASSAN SHUHAIMI NIK ABDUL RAHMAN and BYUNG-OK CUANG (2013). "Study and Typological Comparison of Petroglyphs in the Marzbanik Valley, Baluchestan, Iran", In: *Time & Mind: The Journal of Archaeology, Consciousness and Culture*, Volume: 6, Issue: 3, pp. 331-350.
- MORADI. HOSSEIN, HOSSEIN SARHADDI DADIAN, MOJTABA SOLTANI, NIK HASSAN SHUHAIMI NIK ABDUL RAHMAN. (2014). Development and fall of the Bampur Valley, Based on the New Archaeological evidences in Prehistoric period" in: *Iranian Studies, Journal of the International Society for Iranian Studies*, Volume: 47, Issue: 2, pp. 263-287
- NIKNAMI. KAMAL ALDIN, MEHDI. KAZEMPUR., NASIR ESKANDARI. (2011). The Petroglyphs of Dowzdaghi, North- Western Iran, *Rock Art Research*, Vol. 29(1), Pp. 113-115
- POSSEHL.G. (1979). "Pastoral Nomadism in the Indus Civilization: An Hypothesis" in: *South Asian Archaeology 1977*, vol.1, series minor VI , Pp. 537-551
- POTTS, D.T. (1998). "Namord Ware in Southeastern Arabia", in Potts, D.T., Phillips, C.S. and Searight, S., eds. *Arabia and her Neighbours*. Turnhout: Brepols, pp. 207-220.
- RIMACLE.L, M. LEJEUNE, J. ADELI, S. MOHAMMADI and M. OTTE. (2006). "Art Rupestre de Houmian, Province de Luristan, Iran". *Anthropozoologica* 41 (2) : 13-27.
- RAFIFAR, J. (2007). Some indication of shamanism in Arasbaran rock carvings, *Documenta Praehistorica XXXIV*.

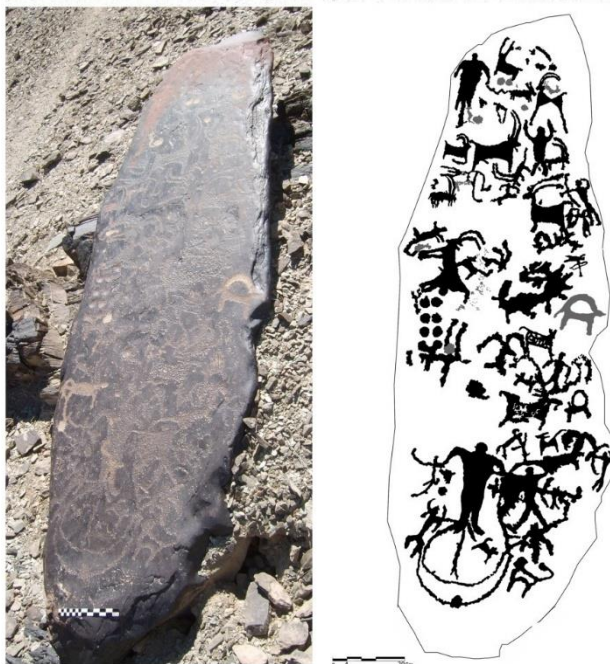


۲۳۰ ♦ تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) بر پایه شواهد باستان‌شناختی

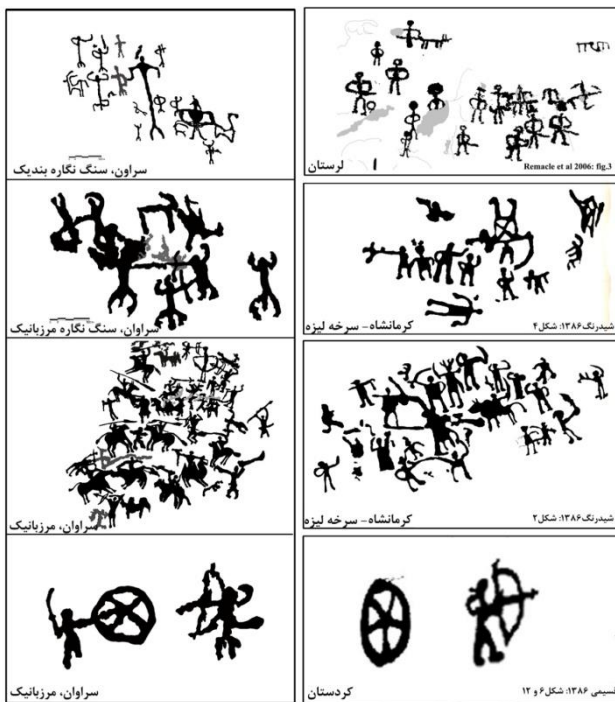
- RAIKES .R. L and R. H. DYSON. (1961). "The Prehistoric Climate of Baluchistan and the Indus Valley" in: *American Anthropologist*, New Series, Vol. 63, No. 2, Part 1, pp. 265-281.
- SJJADI. M. (1989). "A Class of Sassanian Ceramic from Southeastern Iran", In: *Rivista Archeologia* 13: 31-40
- SARHADDI. F. (2013). "Pictograph and Petroglyphs of Saravan (Sistan-Baluchistan, Iran", in: *Ancient Asia*, 4:3, Pp. 1-8
- SHER, J. N. LEGCHILO and M. SHER. (1999). *Repertoire Des Petroglyphes D Asie Centrale*, Fascicule N:4, Siberie Du sud 4: Cheremushny log, Ust-Kulog, Stele de Khakassie, De Boccard, Paris
- Shirazi, R & Soltani, M. (2011). "Qasr-e Qand Petroglyphs: New Finds of Rock Arts in Iranian Baluchistan", *First Conference of the International Association for Asian Heritage (IAAH)* which will be held on 7th- 8th April in Colombo, Sri Lanka. Abstract volume, p:150
- STEIN, A. (1937). *Archaeological Reconnaissances In North-Western India and South-Eastern Iran*, London.
- TACON. PAUL. S.C, NICOLE BOIVIN, JAMES HAMPSON, JAMES BELIN KHORN, RAVI KORISSETAR and MICEAL PETRAGILA. (2010). "New Rock Art Discoveries In the Kurnool District, Andhra Pradesh, India", *Antiquity*, 84, Pp. 335-350.
- WILLIAMS. JAMES. (2008). "The Tahilt Region: A Preliminary Archaeological Survey of the Tahilt Surroundings to Contextualize the Tahilt Cemeteries" in; *The Silk Road*, Vol.5, No.2, China, PP.42-47.
- ZIOLKOWSKI. M.C. (1998). A Study of the Petroglyphs from Wadi Al Hayl, Fujairah, United Arab Emirates: *Arabian archaeology and Epigraphy* 1998, Vol.9, pp.13-89



تصویر ۱. نقشه جانمایی سنگ‌نگاره‌های بلوچستان و سراوان

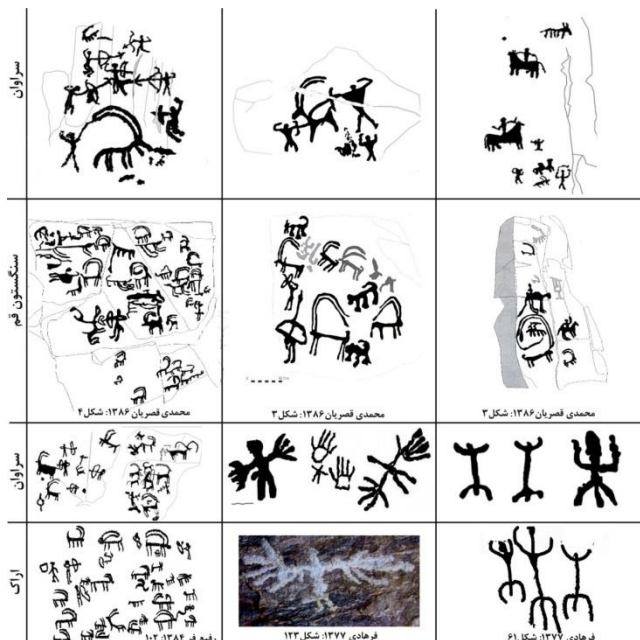


تصویر ۲. سنگ نگاره گیدبست واقع در دره سیاهان که بیانگر صحنه شکار است.

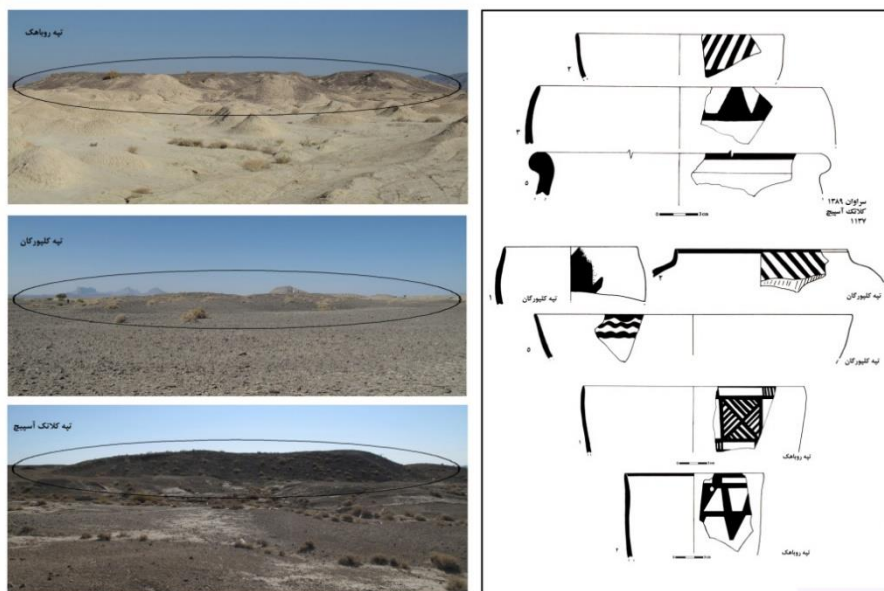


تصویر ۳. مقایسه نقوش سنگ نگاره‌های سراوان با غرب ایران

۲۳۲ ♦ تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) بر پایه شواهد باستان‌شناختی



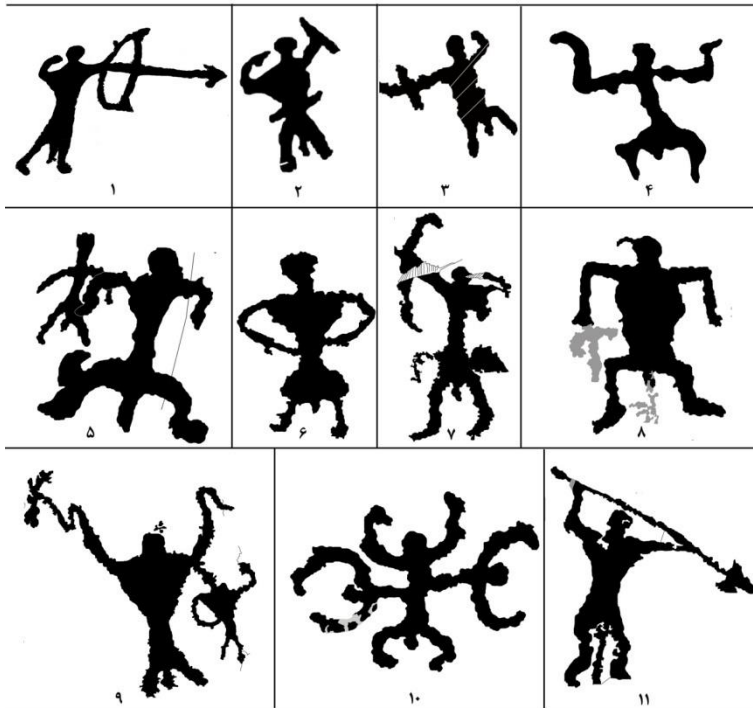
تصویر ۴. مقایسه نقوش سنگ‌نگاره‌های سراوان و سنگ‌نگاره‌های فلات مرکزی ایران



تصویر ۵. تپه‌های متعلق به هزاره سوم پم در حاشیه رودخانه سیمیش در شرق سراوان و نمونه سفال‌های محوطه‌ها



تصویر ۶. نمونه قبر دمبی منطقه هوشک سراوان و سفال‌های موسوم به لوندو در اطراف این قبر

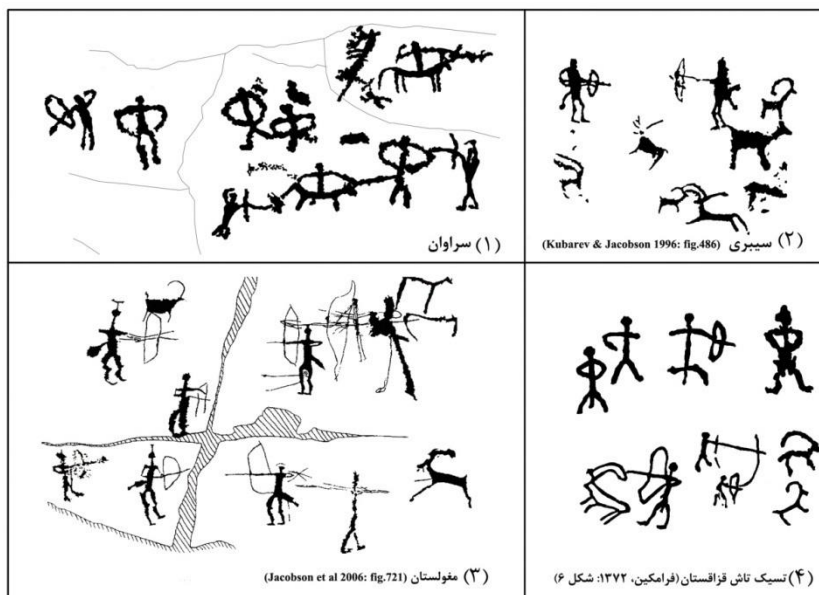


تصویر ۷. نقوش انسانی سنگ‌نگاره‌های سراوان به همراه آلت تناسلی مردانه

۲۳۴ ♦ تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) برپایه شواهد باستان‌شناختی

سراوان	مناطق مختلف	سراوان	مناطق مختلف
		افغانستان	آسیای مرکزی
		جنوب هند	جنوب هند
		آسیای مرکزی	آسیای مرکزی
		آسیای مرکزی	آسیای مرکزی
		مغولستان	آسیای مرکزی

تصویر ۸. جدول مقایسه گونه‌شناسی نقوش سنگ‌نگاره‌های سراوان و مناطقی از آسیا (Moradi et al 2013: fig.20)



تصویر ۹. جدول مقایسه گونه‌شناسی نقوش سنگ‌نگاره‌های سراوان و مناطقی از آسیا

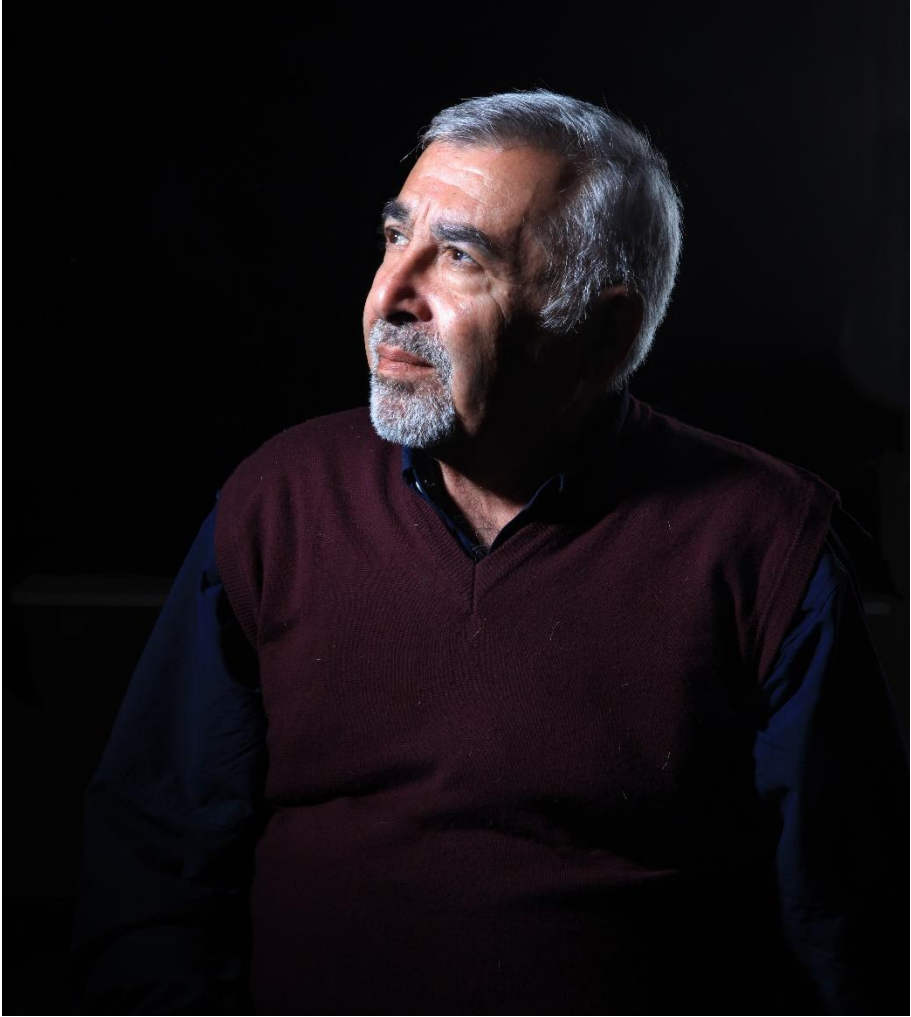
<b>Investigation of Newly Discovered Architectural Monuments on the Slopes of Zivieh Tepe, Kurdistan. Is the Zivia Brick Building a Larger Complex?  </b> Sirwan Mohammadi Ghasriyan, Ali Hozhabri	249
<b>Urartian Goddesses in Urartian Culture  </b> Maryam Dara	263
<b>Fire Temple of Kalega  </b> Ali Nourallahi	283
<b>Opinion of Some Archaeologists and Researchers about Burial in the Manner of offering Against Vultures  </b> Mehdi Rahbar	341
<b>Notes on Eastern Iran During Post-Achaemenid, Parthian and Sasanian Period: A Preliminary Reappraisal of The Ismeo Excavations at Qal'A-Ye Tepe And Qal'A-Ye Sam In Sistan  </b> Giulio Maresca, Persian Translation: Azadeh Azadinezhad	373
<b>Revising Geography and Political History of the Alawites Zaydi Tabaristan Referring to the Sources of Numismatic  </b> Majid Hajitabar	383
<b>The Newly Discovered Jamalabad Caravanserai in Urmia and the Review of the Silk Road Route in West Azerbaijan  </b> Behrouz Khanmohammadi, Ali Sadraei	407
<b>Report of the Third Season of the Archaeological Excavation of the Kahanak Site of Sarbisheh City  </b> Mohammad Farjami, Aliasqar Mahmoodi Nasab	425
<b>Analysis of the New Inscription of Kermani Mosque (Sheikh Ahmad Jam Tomb Collection)  </b> Faramarz Saber Moghaddam	445

## Contents

<b>Rayat e Mansur   Shahin Aryamanesh</b>	<b>9</b>
<b>Ancient Monuments of Gates of Asia (Preliminary Report of the Archaeological Survey of Qasr Shirin city)   Ali Hozhabri</b>	<b>43</b>
<b>A Review of Settling Down of Sar Gachineh Plain Nomads   Maryam Fattahi Pour, Meysam Gordi</b>	<b>63</b>
<b>The Effective Factors in the Formation and Collapse of Civilizations in Sistan   Reza Mehr Afarin</b>	<b>83</b>
<b>Shahr-e Sukhteh and Its Role in the Formation of Bactria–Margiana Culture   Farshid Iravani Ghadim, Hamed Tahmasebi Zaveh</b>	<b>101</b>
<b>A Study the Changes of Customs in the Shahr-e Sukhteh Based on the Funeral Tradition   Zahra Rajabioun</b>	<b>113</b>
<b>Gender Segregation of Workers in the Proto Elamite Period in the Late Fourth Millennium BC in Iran   Rohhollah Yousefi Zoshk, Morteza Hessari, Saeid Baghizadeh, Donya Etemadifar</b>	<b>129</b>
<b>An overview of the Cows figurines of the Shahr-e Sukhteh   Saeid Parsaeyan</b>	<b>147</b>
<b>Simorum, Lolobum, and Gutium; A New Clue to the Presence of Mesopotamian Ruler around Mount Bemo, Azgeleh-Kermanshah   Sajjad Alibeygi, Shahram Aliyayari, John McGinnis and Nasser Aminikhah</b>	<b>161</b>
<b>A Study on the Complete Figures of the Neo-Assyrian Era   Iraj Rezaei</b>	<b>181</b>
<b>Dating and Chronology of Petroglyphs in Saravan (South Eastern Iran): Based on Archaeological Evidences   Hossein Moradi, Mojtaba Soltani, Hossein Sarhaddi Dadian</b>	<b>213</b>
<b>Tomb of Lor Balajuq, Urmia   Behrouz Khanmohammadi, Ali Sadraei</b>	<b>235</b>







**Richt, &  
Tissphernes Archaeological Research Group  
978-622-5684-12-6  
Published in Iran (Persia)**

# RAYAT-e MANSUR

## Distinguished Scholars of Cultural Heritage of Iran (Vol 6)

Special Edition  
in Honor of  
Dr. Seyed Mansur Seyed Sajjadi

Edited by:  
Dr. Shahin Aryamanesh



2022



# RAYAT-E MANSUR

---

DISTINGUISHED SCHOLARS OF  
CULTURAL HERITAGE  
OF IRAN (VOL 6)

SPECIAL EDITION  
IN HONOR OF  
DR. SEYED MANSUR SEYED SAJJADI

EDITED BY:  
SHAHIN ARYAMANESH